

وظیفه مسلمان در برابر شنیدن شایعات و تهمت‌ها



«لولا جاؤا علیه باربعه شهداء فاذا لم یأتوا بالشهداء فاولئک عند الله هم الکاذبون؛ چرا بر آن (ادعا) چهار شاهد نیاوردند؟ پس حالا که شاهدان را نیاوردند، اینان خود در پیشگاه خدا دروغگویند» (نور/ 13)...

«لولا جاؤا علیه باربعه شهداء فاذا لم یأتوا بالشهداء فاولئک عند الله هم الکاذبون؛ چرا بر آن (ادعا) چهار شاهد نیاوردند؟ پس حالا که شاهدان را نیاوردند، اینان خود در پیشگاه خدا دروغگویند» (نور/ 13).

شما در کارتان قانون و حساب دارید. اسلام برای شما وظیفه معین کرده، شرعا وظیفه دارید که هر تهمتی نسبت به یک مسلمان شنیدید مادامی که بینه شرعی اقامه نشده است، بگویند دروغ است، در نزد خدا دروغ است. مقصود از جمله "در نزد خدا دروغ است" این است که در قانون الهی دروغ است. تکلیف بسیار روشنی است. بعد از این ما باید بدانیم اگر فردی درباره فردی یا درباره مؤسسه ای حرفی زد ما چه وظیفه ای داریم. آیا وظیفه داریم سکوت کنیم؟ آیا وظیفه داریم حتی بگوییم ما که نمی دانیم، خدا عالم است؟، من چه می دانم، شاید باشد شاید نباشد؟، آیا وظیفه داریم در مجالس نقل کنیم، بگوییم چنین چیزی می گویند؟ وظیفه مان چیست؟

مادامی که بینه شرعی اقامه نشده است و مادامی که شرعا بر ما ثابت نشده، باید بگوییم دروغ است. فقط وقتی که شرعا ثابت شد و یقین پیدا کردیم مثلا در مورد زنا چهار شاهد عادل و در مورد غیر زنا دو شاهد عادل شهادت دادند، به چشم خودمان دیدیم یا به گوش خودمان شنیدیم (این بینه شرعی است) آنگاه وظیفه دیگری داریم. مادامی که بینه شرعی نیست، نه حق داریم بازگو کنیم، نه حق داریم بگوییم " نمی دانیم" یا بگوییم " شاید هست، شاید نیست" و نه حق داریم سکوت کنیم، بلکه وظیفه داریم بگوییم دروغ است. هر وقت شرعا ثابت شد، آن وقت وظیفه ما مبارزه کردن است. البته در هر موردی یک وظیفه ای داریم. در بعضی از مسائل باید ما مبارزه کنیم، در بعضی مسائل حاکم شرعی باید وظیفه اش را انجام بدهد، مثل مورد زنا.

قرآن کریم می گوید: شما ای مسلمین، شما هم با این زبان به زبان کردن، دهان به دهان کردن، گناه بزرگی مرتکب شدید، ولی خدا از این گناهان می گذرد و گذشت. متوجه باشید که بعد از این دیگر این کار را نکنید «و لولا فضل الله علیکم و رحمته» و اگر فضل خدا و رحمتش در دنیا و آخرت شامل شما نمی شد «لمسکم فیما افضتم فیہ عذاب عظیم» قطعاً به (سزای) بهتانی که وارد آن شدید، به شما عذابی بزرگ می رسید (نور/14). فقط لطف خدا جلوی عذاب دنیا و آخرت را گرفت. پس متوجه باشید، دیگر چنین کاری نکنید. کدام گناه و افاضة؟ در چه چیزی ما فرو رفته بودیم و غور می کردیم و حرفش را می زدیم؟

«اذ تلقونه بالسننکم» آنگاه که به زبان خودتان تلقی می کردید، یعنی زبان به زبان در میان شما می گشت. «و تقولون بافوا حکم ما لیس لکم به علم» یک چیزی که اصلا در دل شما جا نداشت، چون نمی دانستید «و تحسبونه هینا» خیال می کردید یک امر کوچکی است، اما «و هو عند الله عظیم» و حال آنکه این در نزد خدا خیلی بزرگ است، (نور/15).

صحت آبروی مسلمین است و اینجا مخصوصا آبروی پیغمبر است. «و لولا اذ سمعتموه قلتم ما یکون لنا ان نتکلم بهذا» چرا آن وقتی که شنیدید، نگفتید که ما حق نداریم در این باره حرف بزنیم، حق نداریم این را بازگو کنیم؟ (بلکه گفتیم باید منفی سخن بگوییم، یعنی اگر کسی گفت، ما بگوییم: دروغ است، نه تنها مثبت حرف نزنیم و خودش را پخش نکنیم، بلکه باید منفی حرف بزنیم، یعنی در جواب دیگران بگوییم: دروغ است. این را در جمله دوم می فرماید) باید می گفتید: «ما یکون لنا ان نتکلم بهذا» برای ما چنین حقی نیست که در این باره سخنی بگوییم، بلکه «سیحانک هذا بهتان عظیم» باید بگوییم سبحان الله، این یک بهتان و دروغ بسیار بزرگ است (نور/16).

«یعظکم الله ان تعدوا لمثله ابدًا» خدا موعظه می کند شما مسلمانها را که مبادا دیگر به مانند این قضیه برگردید و تکرار کنید (نور/17). تا دامنه قیامت متوجه باشید که دیگر ابزار دست یک جمعیت نشوید، دروغهای دشمنان را علیه خودتان اشاعه ندهید. «و بین الله لکم الایات و الله علیم حکیم» خدا اینطور آیات خودش را برای مصلحت شما بیان می کند، خدا همه چیز را می داند، از خفایا آگاه است و حکیم است و بر اساس حکمتش این آیات را برای شما نازل فرموده است

<http://www.tahoor.com>